

اخلاق حرفه‌ای در آموزه‌های دینی

علی اصغر هدایتی

راضیه برجعلی‌زاده

ندا اله بداشتی^۱

چکیده

اخلاق، علمی است که سرچشمه‌های اکتساب صفات نیک و راه مبارزه با صفات بد و آثار هر یک را در فرد و جامعه مورد بررسی قرار می‌دهد.

بی‌شک، بحث‌های اخلاقی از زمانی که انسان گام بر روی زمین گذارد آغاز شد. از حضرت آدم علیه السلام تا سایر پیامبران الهی یکی پس از دیگری به تهذیب نفوس و تکمیل اخلاق که خمیر مایه سعادت انسان‌ها است پرداختند، اما بزرگ‌ترین معلم اخلاق، پیامبر اسلام (ص) می‌باشد که با شعار «انما بعثت لا تمم مکارم الاخلاق» مبعوث شد و خداوند درباره او فرموده است: «وانک لعلی خلق عظیم» اخلاق تو بسیار عظیم و شایسته است قطعاً اخلاق نبوی را باید اخلاق قدسی و الهی بشماریم. از جمله شاخص‌های مهم تمدن اسلامی، نقش محوری اخلاق و معنویات است. جُرجی زیدان، نویسنده مسیحی لبنانی می‌نویسد: از همان ابتدا، مسلمانان با تاکید بر اخلاقیات و معنویات، به آیین اسلام رسمیت و اهمیت دادند و تمدن اسلامی را بر پایه اخلاق و معنویت پایه ریزی کردند.

یک نظام اخلاقی دینی مبتنی بر این ویژگی‌های منحصر به فرد است: اتکا بر وحی، برخورداری از ضمانت اجرایی قوی درونی و همیشگی با اعتقاد به وجود خداوند و باور به معاد» در بردارنده همه عرصه‌های حیات، به دوربودن از سختگیری‌های طاقت‌فرسا، گستردگی منابع اخلاقی اسلامی، قابلیت تطبیق آن با شرایط زمانی و مکانی مختلف، برخورداری از الگوهای اخلاقی چون ائمه اطهار (ع) که در بدترین شرایط

۱. کمیته اخلاق دانشجویی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

Email: nedaallahbedashti@yahoo.com

(نویسنده مسؤول)

تاریخی بر تعهدات اخلاقی خویش پایداری کرده‌اند و امکان رشد اخلاقی برای همه انسان‌ها به طور مساوی.

مسئله مورد مطالعه در این مقاله، بررسی نقش اخلاق در آموزه‌های دینی، با اشاره به ویژگی‌ها و شاخص‌های آن با استناد به ارزش‌های نهفته در مکتب منبعث از وحی الهی و اخلاق نبوی با بهره‌گیری از شیوه مروری و کتابخانه‌ای می‌باشد. نتایج مطالعه نیز نشان از ضرورت توجه بیش از پیش به آموزه‌های دینی جهت احیای اخلاق حرفه‌ای و شکوه میراث تمدنی گذشته با بکار بستن اخلاق نبوی دارد و این مهم در گرو ایجاد اخلاق حرفه‌ای در تمامی سازمان‌ها و حرف می‌باشد. الگوسازی اخلاقی به خصوص برای نسل جوان نیز از جمله بایسته‌هایی است که نباید مورد غفلت واقع شود.

واژگان کلیدی

اخلاق حرفه‌ای، اخلاق اسلامی و نبوی، آموزه‌های دینی، تمدن اسلامی

مقدمه

اخلاق، از جمله آموزه‌های متعالی اسلامی است که در ساخت و گسترش تمدن اسلامی نقش شگرف و بایسته‌ای داشته است. در اهمیت اخلاق همین بس که خاتم‌النبیین پس از مبعوث شدن به پیامبری، بیانیه رسالت خود را به جهانیان ابلاغ کرد و آن اتمام مکارم اخلاق است. آنجا که می‌فرمایند: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق».

بی‌شک، اخلاق نبوی بعد از قرآن، مؤثرترین وسیله پیشرفت اسلام در شبه جزیره عربستان و سپس در جغرافیای جهان است. خداوند در قرآن در مورد پیامبرمی‌فرماید: «وانک لعلی خلق عظیم» اخلاق تو بسیار عظیم و شایسته است! و یا در تعبیر دیگر، خاتم پیامبران را پیامبر رحمت خطاب می‌کند: «و ما ارسلناک الا رحمه للعالمین». از رموز مهم پیشرفت و گسترش تمدن اسلامی پس از معجزه قرآن اعجاز اخلاق نبوی است که تمدن اسلامی را به شکوه و عظمت رساند تا آنجا که مسلمانان در قرن چهارم هجری در اوج دستاوردهای فرهنگی و تمدنی قرار گرفتند. اخلاق پیامبر، اخلاق قدسی و الهی است. فیلسوفان اخلاق، میان اخلاق قدسی و اخلاق سکولار فرق گذاشته‌اند. اخلاق قدسی، خدا محور و کمال طلب و اخلاق سکولار، انسان محور و مصلحت‌گراست. از ویژگی‌های اخلاقی اسلامی ونبوی که ساخت و گسترش روزافزون تمدن اسلامی برگرفته از آن است می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

حفظ کرامت انسانی، عدالت محوری، شایسته سالاری، روحیه رحمت و رافت، و عفو و گذشت، مدارا با مخالفین، رعایت حقوق انسانی و برخورداری از مشی اعتدال در روش و منش.

۱- مفهوم‌شناسی اخلاق و ویژگی‌های آن

الف - تعریف اخلاق

اخلاق: جمع «خُلُق» (بر وزن قفل) و «خُلُق» (بر وزن افق) می‌باشد، که در لغت به معنای سنجیه و طبیعت و سرشت به کار رفته است، خلق بیانگر صورت باطنی انسان است و نشان دهنده زیبایی و زشتی درونی است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰). خلق به معنی شکل و صورتی است که انسان با چشم می‌بیند و خلق به معنی قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می‌شود. بنابراین می‌توان گفت: «اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸ ش.).

ب - تعریف علم اخلاق

مرحوم نراقی در جامع السعادات می‌گوید: «علم اخلاق دانش صفات (ملکات) مهلکه و منجیه و چگونگی موصوف شدن و متخلق گردیدن به صفات نجات‌بخش و رهائی از صفات هلاک‌کننده است» (نراقی، ۱۳۶۸ ق.).

شهید مطهری نیز می‌نویسد: «اخلاق عبارت است از علم زیستن، یا علم چگونه باید زیست... در حقیقت، چگونه زیستن دو شعبه دارد: شعبه چگونه رفتارکردن و شعبه چگونه بودن. چگونه رفتارکردن، مربوط می‌شود به اعمال انسان (که البته شامل گفتار هم می‌شود) که چگونه باید باشد و چگونه‌بودن، مربوط می‌شود به خویها و ملکات انسان که چگونه و به چه کیفیت باشد...» (مطهری، ۱۳۵۷ ش.).

همچنین محقق طوسی در تعریف علم اخلاق بیان می‌دارد: «آن علمی است بدان که نفس انسانی چگونه خلقی اکتساب توان کرد که جملگی افعالی که به

اراده او از او صادر می شود جمیل و محمود بود.» (خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، ۶۳۳هـ.).

می توان گفت علم اخلاق دانشی است که از صفات و افعال اختیاری انسان و ملکات نیک و بد که در رسیدن انسان به کمال انسانی اش نقش دارد و نیز روش به دست آوردن صفات نیک و دفع و رفع صفات بد هر دو بحث می کند (محمد تقی مصباح یزدی، دروس فلسفه اخلاق، ص ۱۰)

ج - تاریخچه علم اخلاق:

بی شک، بحث های اخلاقی از زمانی که انسان گام بر روی زمین گذارد آغاز شد. از حضرت آدم (ع) تا سایر پیامبران الهی یکی پس از دیگری به تهذیب نفوس و تکمیل اخلاق که خمیر مایه سعادت انسان ها است پرداختند، تا نوبت به حضرت مسیح (ع) رسید که بخش عظیمی از دستوراتش را مباحث اخلاقی تشکیل می دهد و همه پیروان و علاقه مندان او، وی را به عنوان معلم بزرگ اخلاق می شناسند.

اما بزرگترین معلم اخلاق پیامبر اسلام (ص) است که با شعار «انما بعثت لا تمم مکارم الاخلاق» مبعوث شد و خداوند درباره خود او فرموده است: «وانك لعلى خلق عظیم» اخلاق تو بسیار عظیم و شایسته است!

قطعاً اخلاق نبوی را باید اخلاق قدسی و الهی بشماریم. فیلسوفان اخلاق، میان اخلاق قدسی و اخلاق سکولار فرق گذاشته اند. اخلاق قدسی، خدا محور و کمال طلب و اخلاق سکولار، انسان محور و مصلحت گراست.

به قول ادموند برک، «سخن گفتن در مورد اخلاق، سخت و سکوت در مورد آن ناممکن است» (ادموند برک، ۱۳۸۶ش). به ویژه اگر محور سخن، اخلاق نبوی

باشد که حقیقتاً آسمانی است؛ بلکه اوصافی است خدایی که در وجود پیامبر اعظم تجلی یافته است. اخلاق نبوی بعد از قرآن مؤثرترین وسیله پیشرفت اسلام و دعوت پیامبر خاتم بوده است.

د - اخلاق در اسلام

اخلاق اسلامی سه بخش اصلی دارد:

رابطه با خدا: کارهایی که آدمی باید در برابر خدا بکند، مانند نماز و روزه و دعا.

رابطه با مردم: برخورد فرد و رفتارهایش با مردم و دیگر اعضای جامعه، مانند رفتار نقش‌های خانواده و دوستی. عموماً منظور از اخلاق اسلامی بیشتر این بخش است.

رابطه با خود: چارچوب برخورد انسان با خودش، مانند حسد و چگونگی غذا خوردن

از جمله شاخص‌های مهم تمدن اسلامی، نقش محوری اخلاق و معنویات است. جرجی زیدان، نویسنده مسیحی لبنانی می‌نویسد: «نخستین اقدام سودمند پیامبر پس از ورود به مدینه، بستن پیمان دوستی میان مسلمانان مکه و مدینه بود. عقد برادری میان مهاجرین و انصار، نخستین شالوده اتحاد اسلام بود که توسط پیامبر (ص) طرح شد» (جرجی زیدان، ۱۳۸۴ ش.).

از نظر جرجی زیدان از همان ابتدا، مسلمانان با تأکید بر اخلاقیات و معنویات، به آیین اسلام رسمیت و اهمیت دادند و تمدن اسلامی را بر پایه اخلاق و معنویت پایه‌ریزی کردند.

زندگانی پیشوایان معصوم علیهم السلام و یاران با فضیلت آنان، گواه روشنی بر موقعیت اخلاقی و فضائل آنها می‌باشد. در کتاب «تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام» نوشته آیت الله صدر آمده است که اولین کسی که علم اخلاق را تأسیس کرد امیر مؤمنان علی (ع) بود که در نامه معروفش (به فرزندش امام مجتبی) بعد از بازگشت از صفین، اساس و ریشه مسائل اخلاقی را تبیین فرمود و ملکات فضیلت و صفات رذیلت به عالی‌ترین وجهی در آن مورد تحلیل قرار گرفته است! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸ ش).

بعضی از دانشمندان اهل سنت مانند ابو احمد حسن بن عبدالله عسکری نیز در کتاب «الزواج و المواعظ» تمام آن را آورده و می‌افزاید: «لو كان من الحكمة ما يجب ان يكتب بالذهب لكانت هذه» اگر از کلمات پندآموز، چیزی باشد که با آب طلا باید نوشته شود، همین نامه است!

نخستین کسی که کتابی به عنوان «علم اخلاق» نوشت، اسماعیل بن مهران ابی نصر سکونی بود که در قرن دوم می‌زیست، کتابی به نام «صفة المؤمن و الفاجر» که نخستین کتاب شناخته‌شده اخلاقی در اسلام است.

در آیاتی از قرآن نیز اشارات مستقیمی به اهمیت اخلاق شده است:

«ربنا و ابعث فيهم رسولا منهم يتلوا عليهم آياتك و يعلمهم الكتاب و الحكمة و

يزكهم انك انت العزيز الحكيم» (بقره: ۱۲۹)

پروردگارا! در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیز! تا آیات تو را بر آنان بخواند، و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه کند، زیرا تو توانا و حکیمی (و بر این کار قادری)!

«قد افلح من زكها و قد خاب من دسها» (شمس: ۹ و ۱۰)

هرکس نفس خود را پاک و تزکیه کرد، رستگار شد و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخت، نومید و محروم گشت!

هـ - اهمیت اخلاق در روایات اسلامی

این مساله در احادیثی که از شخص پیامبر اکرم و همچنین از سایر پیشوایان معصوم علیهم السلام رسیده است با اهمیت فوق العاده ای تعقیب شده، که به عنوان نمونه چند حدیث پرمعنای زیر را از نظر می گذرانیم:

در حدیث معروفی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق؛ من تنها برای تکمیل فضائل اخلاقی مبعوث شده ام.»

و در تعبیر دیگری: «انما بعثت لاتمم حسن الاخلاق» آمده است.

و در تعبیر دیگری: «بعثت بمکارم الاخلاق و محاسنها» آمده است.

تعبیر به «انما» که به اصطلاح برای حصر است نشان می دهد که تمام اهداف بعثت پیامبر (ص) در همین امر، یعنی تکامل اخلاقی انسان ها خلاصه می شود.

در حدیث دیگری از امیرمؤمنان علی (ع) می خوانیم که فرمود: «لو کنا لانرجو جنة ولا نخشى نارا ولا ثوابا ولا عقابا لکان ینبغی لنا ان نطالب بمکارم الاخلاق فانها مما تدل علی سبیل النجاح؛ اگر ما امید و ایمانی به بهشت و ترس و وحشتی از دوزخ، و انتظار ثواب و عقابی نمی داشتیم، شایسته است تا به سراغ فضائل اخلاقی برویم، چراکه آن ها راهنمای نجات و پیروزی و موفقیت هستند.» و همین بس که قرآن مجید به هنگام بیان مقام والای پیامبر اسلام (ص) می فرماید: «وانک لعلی خلق عظیم؛ تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری!» (سوره قلم: ۴)

و - رابطه ایمان و اخلاق

اخلاق کار آمد و نقش آفرین، هنگامی است که از دین و ایمان سرچشمه بگیرد و تفاوت ماهوی نظام اخلاقی اسلام با دیگر نظام‌ها در همین نقطه است. از آن زمان که در غرب، دین به تدریج از عرصه‌های اجتماعی کنار گذاشته شد و حضور آن در صحنه فرهنگ و سیاست و مدیریت و سایر عرصه‌های جمعی تحمل نگردید و نهضت حس‌گرایی غالب شد، اخلاق سکولاریستی و منهای دین مورد توجه قرار گرفت. این گروه، بر مبنای دیدگاه‌های اومانیستی و سکولاریستی، معتقد شدند که بایستی اخلاق عام و انسانی بنا کرد، زیرا اخلاق دینی با مبانی انسانی منافات دارد، چون اخلاق دینی، مصلحت اندیشانه بوده و همواره در پی مصالح افراد دین‌دار و جامعه دینی است، در حالی که اساس و ساختار اخلاق بر ایثار و گذشت و تامین منافع همگانی است. از این رو برای ورود به ساحت اخلاق باید از گذرگاه ایمان گذشت. اخلاق میوه ایمان است و اتمام مکارم اخلاق، که توسط پیامبر اکرم وعده داده شده، متفرع بر همین ایمان است. اگر اخلاق را از اصول ایمانی و اعتقادی جدا کنیم، صرف آداب بی‌روحی خواهی شد که چون از ریشه معنویش تغذیه نمی‌کند، خشک و نابود خواهد شد. این معنی از این آیه کریمه استفاده می‌شود که:

«قل هل ننبئکم با لا خسرین اعمالا. الذین ضل سعیهم فی الحیوة الدنیا و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا. اولئک الذین کفروا بایات ربهم و لقائه فحبطت اعمالهم فلا نقیم لهم یوم القیمة وزنا» (کهف: ۱۰۵-۱۰۳).

(بگو آیا شما را آگاه کنم که چه کسانی بیش از همه زیان کارند، آنان که کوشش آن‌ها در زندگی دنیا تباه شده، در حالی که فکر می‌کردند کار نیکو می‌کنند. آنان کسانی هستند که به آیات الهی و ملاقات پروردگار کفر ورزیدند و

بدین خاطر اعمالشان ناچیز و فاقد ارزش شده و در روز قیامت برای آنان منزلت و ارزشی نخواهد بود.

گرچه برخی همانند «کانت» بر کفایت وجدان اخلاقی، به عنوان مبدا و سرچشمه قانون اخلاقی که در درون انسان قرار دارد، تأکید می‌کنند از نظر کانت شناخت اخلاق از طریق عقل عملی انسان صورت می‌گیرد و این شناخت وابسته به شرایط و امور بیرونی نیست بلکه ناشی از ذات انسان است (سید محمد عالمی، ۱۳۸۹ ش.)، اما این وجدان تنها زمینه مناسبی برای انجام کارهای اخلاقی است، نه پشتوانه اصیل و منطقی آن. علاوه بر این اخلاق اسلامی بر فطرت تأکید دارد، نه وجدان. با وجود فطرت، باز هم بدون ایمان، انسان ره به جایی نمی‌برد، زیرا اخلاق نیازمند مبنای معرفتی است تا خود را به بهترین نحو برای انسان توجیه کند و گرنه غلبه بر لذا اید و منافع مادی امری ناممکن خواهد بود. اخلاق تنها در صورتی از دوام و بقای کافی برخوردار می‌گردد که انسان دارای پشتوانه قوی معرفتی مانند ایمان باشد. ریشه سست شدن اخلاق، عدم ایمان قوی است، به تعبیر شهید مطهری:

«اگر ایمان نباشد اخلاق مثل اسکناسی است که پشتوانه نداشته باشد.» (شهید مطهری، ۱۳۷۲ ش.)

مثلاً به هنگام تعارض میان رعایت یک اصل اخلاقی با منفعت و سود شخصی، آنچه انسان را ملزم به رعایت اخلاق و ترک منیت و خودپرستی می‌کند، تنها، ایمان است و بس. از آنجا که ایمان درجات و مراتب مختلف دارد، اخلاق نیز مختلف خواهد بود. یعنی هر درجه از ایمان پشتوانه‌ای برای همان مقدار از اخلاق است، هرچه ایمان قوی تر و ریشه‌دارتر گردد، پای‌بندی به اصول اخلاقی بهتر و بیشتر خواهد بود.

روزی شخصی از اهل شام به مدینه آمد. چشمش به امام حسن (ع) افتاد. او را نمی‌شناخت. وقتی از هویت او پرسید و او را شناخت، تحت تأثیر تبلیغات منفی دشمنان اهل بیت عصمت (ع)، به حضرت دشنام گفت. بعد از آنکه عقده دل خود را گشود و ناسزا و فحش بسیار داد، امام حسن (ع) بدون اینکه خشمگین شود و اظهار ناراحتی نماید، نگاهی پرمهر و عاطفه به آن مرد انداخت. چند آیه قرآن را با مضمون لزوم آراستگی به حسن خلق تلاوت فرمود و افزود: «ما برای هر نوع خدمت و کمک به تو، آماده هستیم.» سپس از او پرسید: «آیا اهل شام هستی؟» پاسخ داد: «آری» آنگاه فرمود: «من با این‌گونه برخورد و خلق و خوی، آشنایی دیرین دارم و سرچشمه آن را به خوبی می‌دانم. تو در شهر ما غریبی، اگر احتیاجی داری آماده‌ایم که به تو کمک دهیم و در خانه خود از تو پذیرایی کنیم، تو را بپوشانیم و به تو پول دهیم». مرد شامی که با رفتار خود، منتظر واکنش شدیدی بود و تصور چنین گذشت و عفو را نداشت، چنان دگرگون شد که گفت: «آرزو داشتم در آن وقت، زمین شکافته می‌شد و من در زمین فرو می‌رفتم و این چنین نشناخته و نسنجیده گستاخی نمی‌کردم. تا آن ساعت، کسی روی زمین از حسن بن علی و پدرش برایم مبعوض تر نبودند، ولی از آن هنگام به بعد، کسی نزد من از او و پدرش محبوب‌تر نیست» (شهید مطهری، ۱۳۷۷ش).

علی اصغر هدایتی، راضیه برجعلی‌زاده

ز - ویژگی‌های نظام اخلاقی دینی

۱- نظام اخلاقی دینی، متکی بر وحی است و این ویژگی باعث می‌شود راهنمایی‌های اخلاقی آن مصون از خطا باشد. احکام اخلاقی، در حقیقت بیان‌کننده راه‌های تحقق کمال انسانی است.

۲- پیروی از هر حکم اخلاقی نیازمند انگیزه است. انسان‌ها در صورتی برای انجام عملی برانگیخته می‌شوند که به طریقی بر درستی آن واقف شوند. راه وقوف بر درستی احکام اخلاقی، یا وجدان اخلاقی انسان‌هاست یا توصیه ای که از سوی توصیه‌کننده‌ای آگاه و دلسوز صادر شود. احکام اخلاقی دینی، از منبع وحی صادر می‌شود و هیچ تردیدی در خصوص آگاهی و خیرخواهی خداوند در دل مؤمنان وجود ندارد؛ در نتیجه انگیزه و اطمینانی قوی در پیروی از آن احکام در جان مؤمنان پدید می‌آید.

۳- اخلاق دینی ضامن اجرایی قوی درونی و همیشگی دارد؛ انسان مؤمن با اعتقاد به وجود خداوند و باور به معاد تعهد بیشتری به اجرای احکام اخلاقی پیدا می‌کند.

۴- اخلاق دینی از طریق جهان‌بینی دینی در جان انسان مؤمن تحکیم می‌شود. در جهان‌بینی دینی همه عالم هدفدار آفریده شده است و به سوی غایتی حکیمانه در حرکت است.

۵- اخلاق اسلامی همه عرصه‌های حیات را در بر می‌گیرد. برخی از ادیان جهان، نظام اخلاقی خود را به تنظیم بخشی از روابط انسان محدود کرده‌اند. این ویژگی تکلیف اخلاقی افراد را در عرصه‌های دیگر نامعلوم می‌گذارد. در حالی که اسلام به همه ابعاد وجودی انسان توجه دارد و تمامی روابط انسان را تحت پوشش هدایت اخلاقی خود می‌گیرد.

۶- تکالیف اخلاقی اسلامی قابل اجراست و از سختگیری‌های طاقت‌فرسا به دور است. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) این گونه نقل شده است: محبوب‌ترین دین در نزد خداوند دینی است که معتدل و آسان‌گیر باشد. و نیز فرمودند: من به دینی معتدل و آسان‌گیر رسالت یافته‌م.

در روایتی از امام سجاد(ع) نقل شده است که امیرالمؤمنین(ع) فرموده‌اند: همانا محبوب‌ترین دین در نزد خداوند دین معتدل، آسان و آسان گیر است. ۷- منابع اخلاقی اسلامی غنی و گسترده است. قرآن سرچشمه زاینده معارف اخلاقی است و جوامع روایی و سیره عملی زندگی پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت عصمت و طهارت تفسیر گویایی بر آیات نورانی قرآن هستند که شرایط و چگونگی تطبیق معارف کلی اخلاقی اسلام بر موقعیت‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی را آموزش می‌دهند.

۸- یکی دیگر از ویژگی‌های نظام اخلاق اسلامی، قابلیت تطبیق آن با شرایط زمانی و مکانی مختلف است. این ویژگی از برجسته‌ترین جنبه‌های اخلاق اسلامی است زیرا هر نظام اخلاقی در صورتی پاینده و برقرار می‌ماند که به نیازهای اخلاقی انسان بهتر پاسخ دهد. این نیازها در عین ثباتی که در همه زمان‌ها و مکان‌ها دارند همراه با شرایط و ویژگی‌های هر عصر و مکان مصادیق و مظاهر گوناگونی می‌یابند. اخلاق اسلامی به جهت آن که معطوف به نیازهای اخلاقی انسانی است، جنبه ثابت و پاینده ای را در خود دارد و چون در طی زمانی طولانی توسط معصومین با شرایط متفاوت اجتماعی و تاریخی تطبیق شده است وجه انعطاف پذیر ظواهر و مظاهر آن نیز شناسایی شده است بنابراین بی آن که به ورطه نسبیت مبتلا شود، می‌تواند پاسخگوی انسان در همه زمان‌ها و جوامع باشد. ۹- در فرهنگ اسلامی، وجود امامان معصوم به عنوان نمونه‌های عینی و حقیقی انسان مسلمان، تجسم واقعی اسلام است. وجود چنین اسوه‌هایی که در بدترین شرایط تاریخی بر تعهدات اخلاقی خویش پایداری کرده‌اند، امکان پذیر بودن عمل به دستورات اخلاقی اسلام را اثبات می‌کند. انسان مسلمان با نظر در چهره معصومین در آینه صفحات تاریخ شوق کمال معنوی را در خود می‌یابد و با

امید و اطمینان به امکان پذیر بودن کمالات معنوی روی به تلاش می‌آورد. افزون بر سنت و سیره معصومین، شاگردان برجسته مکتب ایشان نیز قله‌های بلند فضایل اخلاقی هستند که به لطف الهی در طول تاریخ سلسله‌های پرشماری از تربیت یافتگان مکتب اهل بیت را تشکیل داده‌اند و در همه زمان‌ها عالمان و صالحان بزرگ نمونه‌های عینی اخلاق اسلامی بوده‌اند. این نمونه‌های عینی جان مشتاقان را بر می‌انگیزد و اطمینان به سرانجام خوش تکاپوی اخلاقی را تقویت می‌کند.

۱۰- یکی از ویژگی‌های اخلاق اسلامی این است که مسیر رشد اخلاقی بر همه انسان‌ها به طور مساوی گشوده می‌داند. این ویژگی ناشی از انسان شناسی اسلامی و تربیت اسلامی است. تربیت اسلامی شرایطی سنی و محیطی و معرفتی افراد را در نظر دارد به همین دلیل پاداش و کیفر هر فرد به تناسب شرایط اوست. تناسب پاداش و کیفر با شرایط هر فرد موجب می‌شود هیچ‌گاه انسان حرکت به سوی کمال را دیر نشمارد و گمان نکند به سبب شرایط ویژه‌ای که دارد به کمال نخواهد رسید. انسان مسلمان با ایمان هیچ‌گاه نمی‌تواند شرایط سنی خود را بهانه ای برای سستی در مسیر کمال قرار دهد. همچنین هیچ فرد مسلمانی نباید فقدان امکانات و ابزار مادی را بهانه کند و تکالیف اخلاقی و شرعی خود را ترک کند. در نظام فقهی و اخلاقی اسلام هر فرد در هر شرایطی تکلیف خاص خود دارد که متناسب با امکانات و توانایی‌های مربوط به همان شرایط است. در نتیجه همه انسان‌ها در هر برهه زمانی و در هر محیط اجتماعی و جغرافیایی می‌توانند به سوی کمال حرکت کنند و اگر تکالیف اخلاقی خویش را به شایستگی و با خلوص نیت انجام دهند مراتب بلندی از کمال را در می‌یابند.

۲- عدم رعایت موازین اخلاقی و ارتباط آن با فروپاشی تمدن‌ها

اصولاً در هر جامعه یا تشکل اجتماعی، هنگامی که اخلاقیات رشد و نمو کند و مردم اصول اخلاقی و معنوی را محترم بشمرند، بقا و پویایی آن تضمین می‌شود. دکتر ولایتی، نویسنده کتاب ارزشمند «پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران» می‌نویسد: «اگر جامعه‌ای به میزان قابل قبولی از تمدن رسیده باشد، اما به قوانین احترام نگذارد، این مدنیت به سستی می‌گراید و سرانجام ناامنی و بی‌نظمی، ارکان مدنیت آن جامعه را فرو خواهد ریخت و آن تمدن پویایی خود را از دست خواهد داد، زیرا تمدن بی‌هدف، به بی‌قیدی و لابلالی‌گری می‌انجامد.» به همین دلیل، اساس و ارکان تمدن اسلامی بر معیارهای اخلاقی، معنویات، اتحاد و رعایت قوانین فردی و اجتماعی پایه گذاری شد.

پدیده‌های اجتماعی و امور مربوط به انسان از جمله تمدن‌ها، دارای فراز و فرود هستند. برخی از صاحب نظران معتقدند که هر تمدن در طول حیات خود، مراحلی را پشت سر می‌گذارد که گاهی با فراز و زمانی با فرود همراه است. همانگونه که گفتیم وجود اخلاقیات و معنویات می‌تواند از عوامل رشد و شکوفایی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها باشد. برعکس نیز اگر جامعه‌ای متمدن و با فرهنگ باشد، اما مبانی اخلاقی و دینی را نادیده بگیرد در دراز مدت، دچار آسیب‌های غیرقابل جبران می‌شود. یکی از نمونه‌های این مدعا، سرنوشت تلخ مسلمانان در آندلس است. بسیاری از کارشناسان، انحراف از معیارهای اسلامی و اخلاقی را از جمله عوامل زوال قدرت مسلمانان در آندلس دانسته‌اند. این درحالی است که دین اسلام، تاکید بسیاری بر حفظ و پرورش فضائل اخلاقی و معنوی دارد. در تاریخ اسلام آمده است که یکی از دلایل هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه، این بود که مسلمانان از خلق و خوی جاهلی حاکم بر مردم مکه، فاصله بگیرند و خود را

برای پرورش فضائل اخلاقی در محیط جدید مهیا کنند. از عوامل فروپاشی تمدن‌ها، جهل و خودکامگی و فساد است. ویل دورانت، مورخ آمریکایی، از عوامل فرسایش تمدن‌ها را تقابل دانش و ارزش دانسته است. ابن خلدون، مورخ و جامعه شناس مسلمان نیز خودکامگی، استبداد و فساد را از عوامل فرود تمدن‌ها نام می‌برد.

عاملی دیگر که زمینه انحطاط تمدن‌ها را فراهم می‌سازد، فقدان وحدت و انسجام جامعه است. عبدالحسین زرین کوب، نویسنده و مورخ ایرانی، فقدان وحدت و انسجام را عامل رکود تمدن می‌داند و تسامح و وحدت را از عوامل انسجام جامعه ذکر می‌کند. وی معتقد است از عهد امویان با برتری دادن عناصر عرب بر غیرعرب، اندک اندک در بنای رفیعی که پیامبر در مدینه پی افکند، رخنه ایجاد شد و دوره انحطاط تمدن اسلامی از همان زمان آغاز شد. زرین کوب، فساد و تجمل پرستی را نیز از عوامل دیگری می‌داند که تقریباً از آغاز استقرار حکومت بنی امیه در شام، سبب تضعیف تمدن اسلام شد.

هجوم دشمنان خارجی و بیگانگان نیز می‌تواند زمینه سستی و یا رکود یک فرهنگ و تمدن را فراهم آورد. دشمنان و بیگانگان بارها کشورهای حوزه تمدن اسلامی را مورد هجوم قرار داده‌اند. به عنوان نمونه، هجوم مغولان به جهان اسلام و جنگ‌های بزرگی نظیر جنگ‌های صلیبی، از نمونه‌های بارز تهاجم به کشورهای اسلامی است، اما خوشبختانه مسلمانان خود را نباختند و معمولاً مدتی پس از حمله مهاجمان، خود را باز یافتند.

بر خلاف سایر مکاتب اخلاقی از قبیل اخلاق مادگرایی - فلاسفه عقلی - غیرگرایان و وجدان گرایان، اساس مکتب اخلاقی اسلام، ایمان به خداوندی است که کمال مطلق و مطلق کمال است و فرمان او بر تمام جهان هستی جاری و

ساری است و کمال انسان‌ها در این است که پرتوی از صفات جمال و جلال او در خود منعکس کنند و به ذات پاکش نزدیک و نزدیک‌تر شوند.»

ولی این به آن معنا نیست که صفات اخلاقی در بهبودی حال جامعه بشری و نجات انسان‌ها از چنگال بدبختی‌ها بی‌اثر است، بلکه در یک جهان‌بینی صحیح اسلامی عالم هستی یک واحد بهم پیوسته است، واجب‌الوجود قطب این دایره و ماسوای خدا همه به او وابسته و پیوسته و در عین حال با هم منسجم و در ارتباطند. بنابراین، هر چیزی که سبب صلاح حال فرد باشد سبب صلاح حال جامعه، و هر چیز که در صلاح جامعه مؤثر باشد در صلاح فرد نیز مؤثر است.

به تعبیر دیگر، ارزش‌های اخلاقی تاثیر دوگانه دارد، هم فرد را می‌سازد، هم جامعه را. و آن‌ها که تصور می‌کنند همیشه مسائل اخلاقی چیزی است که هدف در آن غیر باشد نه خویشتن، در اشتباه بزرگی هستند، زیرا مصلحت این دو در واقع از هم جدا نیست و جدایی این دو از یکدیگر تنها در مقاطع محدود و کوتاه‌مدت است.

الف) اخلاق حرفه‌ای

جامعه ما بر سر گنج پنهان در اخلاق حرفه‌ای نشسته است: میراث غنی اخلاق حرفه‌ای در آموزه‌های اسلامی و نیز میراث اخلاق حرفه‌ای در تمدن اسلامی. شناخت این میراث گرانبها، جایگاه راهبردی اخلاق حرفه‌ای در فرهنگ و دین ما نشان می‌دهد (قراملکی، ۱۳۸۶ ش). در مقایسه با کشورهای صنعتی در توسعه اخلاق حرفه‌ای وضعیت مطلوبی نداریم. این واقعیت تلخ را عواملی است و دلایلی. تمایز حرفه از کار و شغل و نیز تمایز اخلاق کاربردی از اخلاق نظری و تعریف حوزه اخلاق حرفه‌ای به منزله یک گستره معرفتی فراگیر مقدمه ورود به

مسأله تحقیق است. فقدان یا نقصان دغدغه اخلاقی در حرفه و عدم احساس نیاز به پژوهش‌های اخلاقی در صنعت، کم‌کاری محققان و غفلت، سه عامل عقب‌ماندگی ما در اخلاق حرفه‌ای است.

چرا علی‌رغم توسعه اخلاق حرفه‌ای در تمدن اسلامی روبه انحطاط رفته‌ایم و از کشورهای صنعتی عقب مانده‌ایم؟ حاجت بشر به اخلاق جهانی در عصر جهانی‌شدن و در جهان فراصنعتی و نیز توجه به رسالت جهانی آموزه‌های اسلامی، ضرورت توصیف و تبیین وضعیت جامعه ما در اخلاق حرفه‌ای را بیشتر روشن می‌کند.

علم اخلاق در هر دو گرایش نظری و عملی به بیان باید‌ها و نبایدها، مسئولیت‌ها و فضائل اخلاقی می‌پردازد. تحلیل مبادی تصویری و تصدیقی آن نیز بر عهده معرفت درجه دوم به نام فلسفه اخلاق یا فرا اخلاق است.

ب - تعریف اخلاق حرفه‌ای

اخلاق حرفه‌ای شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که به مباحث اخلاقی در حرفه می‌پردازد صاحبان حرفه از دانش اخلاق دو توقع دارند. بیان نظام‌مند مسئولیت‌های اخلاقی در حرفه و تشخیص دقیق و حل اثربخش مسائل اخلاقی حرفه.

در اخلاق حرفه‌ای دو رهیافت سنتی و جدید وجود دارد. رهیافت سنتی، روی آورد مدیریت منابع انسانی به اخلاق حرفه‌ای است که بر مسئولیت اخلاقی افراد در مشاغل و حرف حصر توجه می‌کند و رهیافت جدید، که در دهه‌های اخیر رواج یافته است. رویکرد مدیریت استراتژیک به اخلاق حرفه‌ای است. در این رهیافت، به مسئولیت‌پذیری سازمان با نگرش سیستمی توجه می‌شود. اخلاق

حرفه‌ای از رشته علمی فراتر رفته و گستره معرفتی وسیعی رابه میان آورده است. اخلاق حرفه‌ای بر حسب تنوع حرف، دامنه بسیار وسیعی دارد: مانند اخلاق پزشکی، اخلاق آموزش و پرورش، اخلاق پژوهش و... (قراملکی، ۱۳۸۶ ش).

ج - اخلاق در پزشکی

آنچه امروزه اخلاق پزشکی نامیده می‌شود، درواقع شاخه‌ای از علم اخلاق کاربردی است، منظور از اخلاق پزشکی پیروی از اصول رفتار حرفه‌ای مناسبی است که درباره مسئولیت و وظایف پزشکان هنگام مراقبت از بیماران و مواجهه و ارتباط با خانواده آنها سخن می‌گوید (محمد حسین عزیزی، ۱۳۸۶). اخلاق پزشکی از شاخه‌های مهم اخلاق در پیشینه تمدن اسلامی است. با عطف توجه به سابقه اسلامی و آموزه‌های اخلاقی مشاهیر بزرگ ایرانی به این نتیجه می‌رسیم که در گذشته آموزش اخلاق پزشکی با آموزش علوم پزشکی همراه بوده و درس مستقلی به نام اخلاق پزشکی آموزش داده نمی‌شد و اساساً پزشک می‌بایست حکیم می‌بود تا بتواند به نحوی مطلوب به طبابت بپردازد.

در پیشینه تمدن اسلامی، علم اخلاق یکی از پیش نیازهای طب بالینی محسوب می‌گردید و دانشجویان پزشکی برای راه یافتن به دوره‌های طب بالینی موظف به گذراندن دروسی در علوم پایه بودند که علوم دینی، اخلاق، منطق و حکمت از جمله آنها بوده است (زالی، ۱۳۸۶ ش).

د - اخلاق حرفه‌ای در آموزه‌های اسلامی

روایت بسیار معروف نبوی «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» حکایت از اهمیت اخلاق در جهت‌گیری دعوت انبیاء دارد. رعایت اخلاق در حرفه یک از دغدغه‌های مهم انبیاء است.

در قرآن، توحید و برقراری قسط دو هدف عمده در جهت‌گیری دعوت انبیاء توصیف شده است. در سوره هود رسالت حضرت شعیب در دعوت به خدا و وفای به مکیال و میزان و اجتناب از کم فروشی دانسته شده است (آیات ۶-۸۴). اگر در اخلاق حرفه‌ای رعایت حقوق دیگران مبنای تعامل حرفه‌ای است، رساله حقوق امام سجاد (ع) مبین این حقوق است (حیدری نراقی، ۱۳۸۵ ش.). یکی از پرثمرترین آثار تمدن اسلامی رشد اخلاق حرفه‌ای است. کتاب‌هایی که در تمدن اسلامی در آداب حرف و مشاغل چون آداب تعلیم و تربیت، آداب قضا و آیین‌های اخلاقی دیوان‌ها نگارش یافته است، حکایت از اهمیت راهبردی اخلاق در هدایت مشاغل و حرف دارد. نهادهای رسمی چون حسبه و نهادهایی چون اصناف، وظیفه نظارت و ترویج اخلاق در مشاغل را بر دوش داشته است (فروزانفر، ۱۳۶۲ ش.).

هـ - اخلاق حرفه‌ای در نهج البلاغه

مباحث فراوانی در اخلاق به طور کلی و اخلاق رهبریت، مدیریت و مناصب ویژه به طور خاص در نهج البلاغه مطرح گردیده است. امام علی (ع) ملاک نهایی اخلاق را خدا می‌داند و به همین دلیل توصیه اساسی حضرت، به تقوی است. حضرت امیر مبنای ارتباط و رفتار ارتباطی اخلاقی را حفظ و رعایت حقوق مردم دانسته و در مواضع مختلف بر آن تأکید می‌ورزند به گونه‌ای که جایگاه اجتماعی افراد به ویژه در مشاغل و مناصب مختلف را بر آن استوار می‌نمایند. امام علی (ع) مسئولیت‌پذیری فرد را در رفتار ارتباطی نسبت به همه افراد اعم از دوست و دشمن، رفیق و بیگانه، مؤمن و کافر و حتی با محیط و سایر موجودات از جمله حیوانات یادآور شده و آن را مبتنی بر مسئولیت در برابر پروردگار می‌نمایند: ای مردم، تقوا پیشه کنید زیرا در پیشگاه خداوند مسئول بندگان خدا، شهرها و خانه‌ها و حیوانات هستید. این مسئولیت‌پذیری در واقع چیزی جز رعایت حقوق غیر، نیست.

حضرت در مواضع مختلف به ویژه در نامه‌های اداری و دستورالعمل‌های حکومتی و مدیریتی به بیان دقیق وظایف کارگزاری خود پرداخته‌اند که مبین حقوق مردم و اهمیت رعایت آن است. حضرت با هدف ایجاد دستگاه مسئولانه و متعهدانه در کارگزاران خود نسبت به رعایت حقوق مردم و انجام وظیفه، رعایت حقوق مردم را رعایت حقوق الهی معرفی کرده، رضایت الهی را در گرو آن می‌داند و در مواضع متعدد بیان می‌کنند که این مسئولیت در قبال مردم، در واقع، مسئولیت در قبال خداست به این معنا که در قیامت نسبت به ادای حقوق مردم از سوی خداوند متعال مورد سؤال قرار خواهید گرفت (قراملکی، ۱۳۸۶ ش). حضرت در نامه به فرماندار مصر - محمد بن ابی بکر - توصیه به رفتار با مهربانی و نرمی و

با رعایت عدالت و تساوی نسبت به مردم فرموده و اینکه خداوند از شما بندگان درباره اعمال کوچک و بزرگ، آشکار و پنهان خواهد پرسید (رضی، ۱۳۸۴ ش.، نامه ۲۷). همچنین حضرت به اشعث بن قیس - فرماندار آذربایجان - در مورد استفاده ناروا از بیت‌المال هشدار داده و بیت‌المال را مال خدا دانسته و می‌فرماید: همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی بر گردن توست، در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه‌دار آنی. (رضی، ۱۳۸۴ ش.)

حضرت در عهدنامه مالک اشتر ضمن بیان اینکه خداوند فرمانداری مصر را وسیله ای برای آزمون وی قرار داده است متذکر می‌شوند که تضییع حقوق مردم و ستم بر بندگان خدا در واقع ستم به خداست و آن را عامل دگرگونی نعمت‌های خدا و کیفر الهی معرفی می‌نمایند: نسبت به خداوند و مردمان و... انصاف به خرج ده که اگر به انصاف عمل نکنی ستم نموده ای و کسی که بر بندگان خدا ستم کند خدا به جای بندگان او بازخواست می‌کند و... چیزی چون ستمکاری نعمت خدا را دگرگون نمی‌کند و کیفر او را نزدیک نمی‌سازد (قراملکی، ۱۳۸۶ ش.). حضرت در حالی که ظلم و ستم فرد به خود را به جهت ارتکاب به معاصی قابل بخشش توصیف می‌نمایند اما ظلم و ستمگری برخی از بندگان بر برخی دیگر را بدون مجازات ندانسته و قصاص در تضییع حقوق مردم را سخت توصیف نموده‌اند. ایشان در اولین خطبه خود در آغاز خلافتشان فرموده‌اند: خدا حرمت مسلمان را بر دیگر حرمت‌ها برتری داده و حقوق مسلمانان را با اخلاص و یگانه پرستی پیوند داده؛ پس مسلمان کسی است که مسلمان از دست و زبان او آزاری نبیند.

اخلاص و توحید، ضامن اجرایی حقوق مسلمانان است. در میان حقوق الهی بزرگ‌ترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است، حق واجبی که خدای سبحان بر هر دو گروه لازم شمرده و... یکی از واجبات الهی، یکدیگر را به اندازه توان نصیحت کردن و یاری دادن به یکدیگر است.

رعایت حقوق مردم به راضی نمودن مردم نیست و نباید رعایت حقوق مردم را به مفهوم رضایت مردم تقلیل و تحویل کرد، زیرا آنچه مبنای اخلاق است حقوق مردم است و نه صرف رضایت آن‌ها.

از آنجا که در دیدگاه حضرت، رعایت حقوق مردمان و ادای آن پس از رضایت الهی بالاترین ارزش‌ها را دارد، از ابتدای بر عهده گرفتن خلافت به شناسایی و تبیین آن پرداخته‌اند. تبیین حقوق از جمله حقوق و رعایت آن‌ها مسبوق به شناسایی آن است. از این رو حضرت صرفاً به فرمان عام و مطلق ادای حقوق اکتفا نکردند، بلکه به تفصیل و به نحوی دقیق به تبیین حقوق خود به عنوان زمامدار و رهبر و همچنین تبیین حقوق مردم به عنوان رعایا و مأمومین و وظایف و مسئولیت‌های مشاغل و مناصب مختلف و کارگزاران و مأموران حکومتی اقدام کرده‌اند (قراملکی، ۱۳۸۶ ش.). مردم، مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی، بر من است که خیرخواهی را از شما دریغ ندارم و حقی را که از بیت‌المال دارید بگزارم و شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید و آداب آموزم تا بدانید. یعنی مردم حق دارند که نصیحت شنوند و بدانند و یاد بگیرند، اما حق من بر شما این است که به بیعت وفا کنید و در نهان و آشکارا خیرخواهی را ادا کنید و چون شما را بخوانم بیاوید و چون فرمان دهم بپذیرید (رضی، ۱۳۸۴ ش.، خطبه ۳۴) و مردم حق دارند که نصیحت کنند و اعتراض و انتقاد نمایند و فرمانبرداری کنند. بنابراین حقوق سیاسی، مالی، تربیتی و آموزشی از حقوق مسلم مردم است که

حضرت به تبیین آن‌ها پرداخته، تحقق آن‌ها را در حکومت خود خواستار شده است. در فرموده‌های این امام همام، نکات ذیل قابل استنتاج است:

۱- بیان دقیق حقوق و مشخص نمودن وظایف و مسئولیت‌ها، خود حقی است بر عهده زمامدار و دستگاه حکومت
۲- اهتمام به حقوق افراد و نیز تبیین حقوقی که بر عهده هر شغل و حرفه و منصب می‌باشد

۳- شناسایی مسئولیت حاکمیت در قبال پاسخگویی و رعایت حقوق مردم. لذا خود دقیقاً انجام وظایف مأموران خود را پیگیری کرده بر ادای حقوق مردم مراقبت نموده و حتی نحوه انجام وظایف را تذکر داده و رعایت اصول اخلاقی در آن را خواستار شده‌اند.

۴- احساس مسئولیت در مقابل رفتار کارگزاران خود با مردم و برخورد با کمترین بی توجهی و تضییع حق از سوی کارگزاران
۵- عدم انحصار حقوق به حقوق آدمیان، بلکه به حقوق محیط و حتی حیوانات نیز توجه داشته و به تبیین و معرفی آن‌ها پرداخته و بر رعایت آن دقت کرده‌اند.

۶- توسعه حقوق از حقوق حکومت و پیروان آن حکومت به حقوق دیگر حکومت‌ها و حتی دشمن. آنجا که می‌فرمایند: دشمن را فریب نده... آن کس که پشت کرده نکشید و آن را که قدرت دفاع ندارد آسیب نرسانده و مجروحان را به قتل نرسانید.

نتیجه‌گیری

کشور ما به رغم دورنمای روشن تاریخی و تمدنی و میراث زرین فرهنگی و دینی، در افق کنونی خود نسبت به کشورهای صنعتی غرب و حتی برخی جوامع شرقی پیشرو از وضعیتی مناسب شأن تاریخی خود در توسعه اخلاق حرفه‌ای برخوردار نیست. این در حالی است که تاریخ فرهنگی و دینی این سرزمین حامل گنج‌های گرانباری از میراث غنی خود در این مورد است. ایرانیان عهد باستان بر پایه آموزه‌های فرهنگی و آیینی خود، یادمانی چشم نواز از مقوله کار و اخلاق حرفه‌ای در ذهن بشر بر جای نهاده‌اند. آنجا که تکالیف و وظایف خاص و مقیدبودن به ضوابط انسانی حاکم بر کار، فضیلتی اخلاقی تلقی می‌شد و سعادت اخلاقی هر کس را بر اساس کسب فضیلت ناشی از وقوف وی به خویشکاری و ایفای وظیفه خود می‌سنجیدند. چه اینکه هدف نخست ادیان الهی نیز آموزش و ارتقای اخلاق و پاکیزگی معنویت در جامعه انسانی بوده است. تا آنجا که پیامبر مکرم اسلام (ص) هدف محوری رسالت خود را، تکمیل سجایای اخلاقی در روح و جان و رفتار انسان‌ها می‌دانند. در این معنا اخلاق، شالوده اصلی زندگی معنوی و بنیاد تعالی و تکاپوی زندگی انسانی به شمار می‌آید، اما با وجود چنین پشتوانه و گذشته‌ای که اخلاق در آن محور آموزش و عمل و اشتغال افراد و اجتماع و نقطه جوشان نیروی پویایی جامعه اسلامی و ایرانی بوده است جامعه کنونی ما از فقدان یا نقصان دغدغه‌های اخلاقی در حرف کارکردی خود رنج می‌برد.

فهرست منابع

- برک، ادموند. (۱۳۸۶ ش.). *اخبار فلسفه*. سال اول، شماره ۴.
- جرجی، زیدان، (۱۳۸۴ ش.). *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه جواهر کلام، تهران، امیر کبیر.
- رضی، سیدشریف. (۱۳۸۴ ش.). *نهج البلاغه*. ترجمه محمد دشتی، مؤسسه فرهنگی تبلیغاتی امیرالمؤمنین.
- زالی، علیرضا، (۱۳۸۶ ش.). *فصلنامه اخلاق پزشکی*، سال اول، شماره اول.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۴ ش.). *تاریخ مردم ایران*. تهران: امیرکبیر، چاپ اول.
- صادقی، هادی. (۱۳۸۲ ش.). *درآمدی بر کلام جدید*. قم: کتاب طه، چاپ اول.
- طوسی، خواجه نصیر الدین. (۶۳۳ هـ.). *اخلاق ناصری*.
- طوسی، خواجه نظام الملک. (۱۳۶۹ ش.). *سیاستنامه*. تهران: اساطیر.
- عالمی، سید محمد. (۱۳۸۹ ش.). *رابطه دین و اخلاق*، موسسه بوستان کتاب.
- فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۶۲ ش.). *مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی*. تهران: امیرکبیر.
- قراملکی، فرامرز. احد و همکاران. (۱۳۸۶ ش.). *اخلاق حرفه‌ای در تمدن اسلام و ایران*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- مصباح یزدی، محمدتقی. *دروس فلسفه اخلاق*.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷ ش.). *آشنایی با علوم اسلامی، حکمت عملی*، نشر صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲ ش.). *فلسفه اخلاق*، قم: نشر صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷ ش.). *مجموعه آثار شهید مطهری*، قم: نشر صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۸ ش.). *اخلاق در قرآن، تعریف علم اخلاق*، جلد اول، انتشارات امیرالمؤمنین.
- نراقی، محمد مهدی. (۱۳۶۸ ق.). *جامع السعادات*. ج ۱، نجف، مطبعه الزهراء.
- نیما. (۱۳۸۴ ش.). *سبک‌ها و مهارت‌های رفتار ارتباطی*. تهران: نیلوفر.
- هیوم، رابرت ا. (۱۳۷۴ ش.). *ادیان زنده جهان*. ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

یادداشت شناسه مؤلفان

علی اصغر هدايتی: عضو هیأت علمی جهاد دانشگاهی، عضو گروه تاریخ پزشکی و معاون اجرایی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. تهران. ایران.

راضیه برجعلی‌زاده: کارشناس ارشد اندیشه سیاسی در اسلام

ندا اله بداشتی: کمیته اخلاق دانشجویی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی

شهید بهشتی، (نویسنده مسؤول)

نشانی الکترونیکی: nedaallahbedashti@yahoo.com